

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان
۲۰۰۹ | ۱۱ | ۱۳

رقاصه استعمار

ای وطنداران! ببینین ، چه عجائب کار شد
دیگ و میگ انتخاباتِ وطن ، مردار شد
بازی شطرنج ، بین کودکانِ ناخلف
انصرافِ ناگهانی ، سازکِ یکبار شد
باتخلف ، باتخطی ، باتقلب ، بار بار
چالشی آمد میان و بوجی غم ، غار شد
تاجارت ، از سیاست ، منصبِ بالا گرفت
مصرفِ ایورو و دالر، من من و خروار شد
در نتیجه ، (مُهرهٔ آینده) ، استخدام شد
کشتِ شان تگ گشت و اما ، ماتِ شان تگمار شد
این عروسکهای کوکی ، کوکِ دستِ اجنبی

هر یکی رقاصه بازار استعمار شد

چال (پاکستان) و ، مکر و خدعه (ایرانیان)
درس (امریکا) و کانکور (عرب) تکرار شد
نمره اعلا گرفت ، (کرزی) نقال ما
مفت و بی زحمت رئیس دولت اشرا شد
(دوستم) بریست ایشان را کمر ، با دست خود
گوئیا (عقد) است و (کرزی) ، تازه شوهر دار شد
تا رود در خانه شوهر ، به پشت بخت خود
با دعای خائن ملی ، زفاف ، اجبار شد
پیرن (عقد و نکاح) پوشید ، (سبزینه چین)
تاج بر سر ، لنگی ابریشمی ، بگذار شد
لیک ، کلاه خودش را بر زمین پرتاب کرد
آبروی کرسی جمهور ، لنگ بردار شد
(عبدالله) ناکام در مضمون ، صلح و آشتی
(رتبه اول) در جنایت ، با تفنگسالار شد
با تملق ، از تعلق ها بریده خود فروخت
تا در آینده ، رئیس و نوکر غدار شد
یاد بادا ، قطع گوش و بینی هم میهنان
تیغ جلادش بسان تیشه نجار شد
حال می خواهد مجاور گردد و با صدق دل
در مزار "حضرت" مسعود سردمدار شد
تا نماید استخاره ، همجو (صبغت) بار بار
پنج سال انتظارش ، پُر بر و اثمار شد
آن (فهم) بد بْجنگ ، زشت روی و زشت کار
آن (فهم) وحشی ی ، بدطلعت و هم بد بْجنگ

(ننگِ تاریخِ بشر) ، بارِ دگر ، روکار شد
(فیلِ چوبی) وار ، آمد با پکول ارتجاع
بدقواره ، بی حیا ، بدتر ز (حکمتیار) شد
ناخلف ، این گلخنی یی ، دوزخِ اهریمنی
تاجر و دلال ، بر اعرابِ بیمقدار شد
از (خلیلی ننگ) دارد واژه های نظم و نثر
لنگی عفت ، ز فرمانِ ادب صد پار شد
جای او باید همیشه ، خندقِ حمامیان
سنگِ لعنتِ باغضب باید به فرقتش وار شد
با فریب و چال و مکر و ، حيله و نیرنگ و رنگ
(ننگ و ناموسِ وطن) ، بازیچه اغیار شد
برحذر باید ازین ، جنگِ آفرینانِ خطا
باتفنگ ، از شانۀ ما ، فیر بر ابرار شد
« نعمتا » ! هر روز فلمِ نو ، نمایش میدهند
داستانِ خودفروشان ، رونقِ بازار شد